

روابط تنیده

با آمریکا

محمد مهدی اسلامی
پژوهشگر

بودند که ارتباط مستحکمی با آمریکا داشتند. به عنوان مثال اسناد لانه جاسوسی نشان می‌دهد عبدالرحمن برومند با اسم رمز اس. دی. استنی از سال ۱۳۳۶ با سفارت آمریکا در تهران ارتباط برقرار و به جاسوسی مشغول گردید. (شاپور بختیار به روایت اسناد ساواک، ص ۱۹۰)

شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیری که از دست شاه حکم صدارت دولت را دریافت کرد؛ اما در حقیقت بخشی از راه حل بلوک غرب، برای ممانعت از پیروزی انقلابی بود که می‌توانست خطری برای هژمونی آنها در منطقه باشد. جدای از اسنادی که نشان دهنده ارتباط بختیار از مهر ۱۳۵۷ با سفارت امریکاست؛ در اطراف او افرادی

همانگی‌ها
برای کودتای نقاب

این کودتا، از لحاظ تجهیزات نظامی که قرار بود از داخل و خارج در جریان آن به کار گرفته شود به نحوی طرح‌ریزی شده که سیا موفقیت آن را قطعی می‌دانست. از این رو حتی اعلامیه پیروزی آن نیز آماده شده و خانه‌ای نیز برای انتقال شریعتمداری به تهران اجاره شده بود. شریعتمداری باید در این خانه مستقر می‌شد و به عنوان «رهبر مذهبی» کودتا، آن را تأیید می‌کرد.

یکی از سران کودتا در دادگاه انقلاب، نقش سازمان سیا و ارتجاع عرب و جریان‌های سیاسی راست مرتبط با کودتا را چنین توضیح می‌دهد: «دوالتی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب اولین تماس بین مأمورین «سیا» و یکی از دوستان بنی‌عمری در اروپا برقرار شد و آنها بنی‌عمری را در خط بختیار قرار دادند. تمام همانگی‌های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد بختیار در پاریس از طریق سیا انجام گرفت...» وی از همانگی بین اسرائیل و کشورهای منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق توسط نماینده سیا که در دفتر دکتر بختیار در پاریس مستقر بود، یاد کرده است و اینکه تأمین هزینه‌های مادی از این

صحبت

بکنند یا اینکه

نوار و اعلامیه‌شان پخش

شود و از ایشان کمک گرفته

شود...» (کیهان هوایی، ۲۵ تیر ۱۳۶۵)

مهندس اسفندیار درویش، مشاور صنعتی

ریاست جمهوری، به همراه افرادی که از

دیدگاه ما کاملاً مشخص می‌باشند، در

کودتای نافرجام نوزده نقش فعال داشته

با منوچهر قربانی فر، سرشاخه مالی

کودتاجیان همکاری نزدیک دارد و قبل و

بعد از کودتا میلیون‌ها تومان پول رد و بدل

کرده است. منوچهر قربانی فر از سال ۱۹۷۴

جزو منابع سازمان «سیا» بود.

سران کودتا از طریق بختیار با «کومه‌له» و

«حزب دموکرات» نیز تماس گرفته و بختیار

در جریان ملاقات‌های متعدد با قاسملوو

عزالدین حسینی موافقت آنها را جلب کرده

بود؛ حتی بخشی از تیم کودتا که در زمان

حادثه شناسایی نشدند و مأمور به اشغال

سازمان صدا و سیما بودند، در اواخر مرداد



۱۳۶۱ دستگیر شدند که به عضویت خود در سازمان کومله اعتراف کردند.

کودتاجیان با جریان‌های سیاسی دیگر

نیز مصالحه کرده بودند. به عنوان مثال

طبق اسناد و مدارکی که بدست آمده،

تماس‌هایی میان کودتاگران و موسی

خیابانی صورت گرفته بود و ضمن پیشنهادی

که رهبران کودتا به سازمان مجاهدین

داده بودند، موافقت شده بود که سازمان

مجاهدین در مقابل پستی که به مسعود

رجوی واگذار می‌شود، به نفع کودتاگران

از موضعگیری در مقابل عمل کودتا خود را

کنار بگذرد. (کیهان هوایی، ۲۵ تیر ۱۳۶۵)

دیگر اسناد و مدارک کشف شده حاکی از

آن بود که احمد روناس و منوچهر مسعودی

(مشاور حقوقی بنی‌صدر) محور ارتباط

بنی‌صدر و دفتر وی با بختیار و گروه به

اصلاح ایوب‌سیون بودند. احمد روناس از

اعضای کنفدراسیون (دانشجویان خارج از

کشور) بود که بعد از انقلاب به ایران رفت

و آمد داشت.

طریق همانگی می‌شد که از آن جمله یک چک ده میلیون دلاری عربستان سعودی بود. شناسایی افراد مخالف در کشور یا در خارج از کشور و معرفی آنها به بختیار انجام شد از جمله پالیزبان که در یکی از دهات عراق مخفی بود، توسط سازمان جاسوسی اسرائیل شناسایی و معرفی شد و همانگی لازم بین او و بختیار انجام شد.

وی می‌افزاید: «آقای مهندس قاضی در جواب ایشان (در جواب تیمسار محقق) گفتند که ما با روحانیت پیشرفت خوبی داشته‌ایم و توانسته‌ایم به توافق برسیم، مثلاً آقای شریعتمداری، با پسر ایشان وارد صحبت شدیم، پسرشان از جانب آقای شریعتمداری قول همه‌گونه همکاری را دادند؛ حتی منزلی در حوالی یوسف‌آباد برای ایشان اجاره کرده و قرار بود که ایشان بلافاصله به تهران منتقل بشوند... تا اینکه زمان به اصطلاح آماده شود، و مکان آماده شود، رادیو و تلویزیون تصرف بشود که یا ایشان مستقیماً خودشان از رادیو و تلویزیون

توطئه‌گران تبعیدی

می‌کنند این هوس را ایجاد می‌کند که در این مهاجران سیاسی می‌توان راه حلی را برای اوضاع ایران که به نظر ایالات متحده ناخوشایند است، یافت. امریکایی‌ها می‌توانند با بختیار وقتی به روانی به زبان غرب صحبت می‌کنند، کنار بیایند.»

یک سند لانه جاسوسی با طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» و به تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۳ مهر ۱۳۵۸) پس از ارائه فهرستی از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی خارج از ایران که سرگرم برنامه‌ریزی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران هستند، به تلاش شاپور بختیار برای ایجاد همانگی میان آنان اشاره کرده است.

پیروزی انقلاب اسلامی اگرچه مانع از تداوم صدارت بختیار شد؛ اما او تلاش داشت تا نظر طرف امریکایی را برای کودتا به سوی خویش جلب کند. در مجموعه اسناد لانه جاسوسی، سندهای متعددی از نقش شاپور بختیار در انجام توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به چشم می‌خورد. در یکی از این اسناد به تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۵ شهریور ۱۳۵۸) که از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آن کشور مخابره شده، زیر عنوان «توطئه‌گران تبعیدی» آمده است: «رو آمدن شاپور بختیار در پاریس و شایعات مداوم درباره چند ایرانی که در توطئه برای برانداختن رژیم اسلامی آیت‌الله خمینی فعالانه کوشش

ارتباط با سیا

یکی از اسناد لانه جاسوسی حاوی درخواست شاپور بختیار از سازمان سیا برای تأمین مالی وی و گروهش می‌باشد. امریکایی‌ها با نام رمز پ/۱ معرفی می‌کنند و بختیار استقبال می‌کند. در سندی با تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۵۸ (با عنوان: «هشدار. شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است» چنین می‌خوانیم: «بنا به اظهارات پ/۱ بختیار با وی تماس گرفته و از او خواسته که ملاقاتی بین او (بختیار) و مقامات عالی‌رتبه دولت آمریکا یا سیا ترتیب دهد. ما پیام بختیار را خیلی صادقانه به حساب آوردیم. او از مشکلاتی که باید با منابع بسیار محدود بر آنها غلبه نماید، آگاه است. او راحت اعتراف می‌کند که نهضتی به آن معنای واقعی ندارد و فقط در مراحل طرح‌ریزی اولیه است. معذالک او امیدها دارد.»

ناصر رکنی یکی از عوامل بختیار و از اعضای اصلی کودتای نوزده می‌گوید: «در پانزدهم اسفند ۵۸ که قرار بود دکتر بختیار به ایران بیاید، قرار بود که به تبریز یا خوزستان برود. اگر تبریز در جریان اقدامات حزب خلق مسلمان تصرف می‌شد و نیروی زمینی و پایگاه هوایی آنجا تبعیت می‌کرد، بختیار به آنجا وارد می‌شد و آذربایجان را به عنوان ایران آزاد اعلام می‌نمود. البته آذربایجان به علت نزدیکی با مرز شوروی و حساسیت روس‌ها به آن از لحاظ جمهوری‌های مسلمان‌نشین خودش در مرحله دوم بود. مرحله اول خوزستان بود که قرار بود یک تهاجم گسترده هوایی و زمینی توسط عراق و مصر تصرف شده و به عنوان ایران آزاد اعلام و در اختیار بختیار قرار گیرد.»



سازمان اطلاعات
مرکزی آمریکا
(CIA) به «کودتای
نوزده» امید زیادی
پسته بود و اهمیت
آن را بیش از تجاوز
نظامی صدام
ارزیابی می‌کرد. یک
سند فوق محرمانه
در میان اسناد لانه
جاسوسی وجود
دارد که به همکاری
پنهان شاپور بختیار
با رژیم بعثی عراق
علیه جمهوری
اسلامی ایران اشاره
کرده است